

سیددوبیست و ششمین نشست مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ «زیبایی‌شناسی غزل‌های حافظ»

سیددوبیست و ششمین نشست مرکز حافظ‌شناسی و کرسی پژوهشی حافظ با موضوع «زیبایی‌شناسی غزل‌های حافظ» روز یکشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۹۸، ساعت ۱۷.۳۰ در سالن غزل تالار حافظ شیراز برگزار شد.

در این نشست که با همکاری اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز برگزار شد، دکتر سعید حسام‌پور، استاد بخش زبان



و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و مدیر مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به سخنرانی پرداخت.

ایشان در ابتدا ضمن سپاسگزاری از مرکز حافظ‌شناسی برای برگزاری نشست‌های علمی و فرهنگی جریان‌ساز در پیوند با حافظ، با خواندن ابیاتی از حافظ، نظر مخاطبان را به نگاه حافظ به زیبایی‌شناسی جلب کرد و گفت: میراث‌های جاودان ادبی و هنری عرصه‌ی کوشش‌های فراوان ادیبان، هنرمندان، اندیشمندان و انسان‌هایی است که با آفرینش آثار فاخر و زیبای خود، لذت‌هایی ناب را به مخاطبان خود هدیه داده‌اند و کام آنان را شیرین ساخته‌اند.

وی تأکید کرد: بی‌تردید در گستره‌ی شعر جهانی، حافظ توانسته با هنرمندی ویژه‌ای، تابلوهایی خلاقانه و ساحرانه بیافریند که تا همیشه پیش روی مخاطبان لذت‌آفرین و انرژی‌بخش باشد.

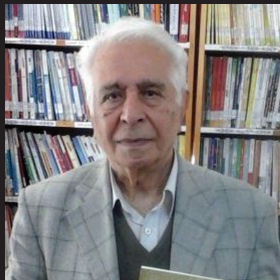
دکتر حسام‌پور با اشاره به نظرات صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان مختلف درباره‌ی تعریف زیبایی و لذت و عوامل آن‌ها گفت: زیبایی قابل احساس و ادراک هست، اما غیرقابل تعریف است و در نهایت ریشه در نیازهای ما دارد.

ایشان افزود: به باور من، یکی از بنیادی‌ترین ریشه‌های زیبایی در شعر حافظ، با احساس نیاز مخاطبان در هم تنیده شده است؛ نیازهایی مانند شنیدن روایت، تعلیق و کشمکش، آفرینش شخصیت‌هایی اسطوره‌ای، گفت‌وگومندی، عصیان و ستیز با هستی و جهان و همچنین با اصحاب زور و تزویر، فرورفتن در خود و... . ایشان به عوامل مختلفی از جمله: خرده‌روایت‌ها، تعلیق‌ها، کشمکش‌ها، تضادها، آشنایی‌زدایی‌ها و... به‌عنوان رمز ماندگاری و دلیل لذت‌بردن همیشگی و همه‌زمانی مخاطب از شعر حافظ پرداخت.

این حافظ‌پژوه یکی از ترفندهای اصلی حافظ را «خلق معشوق چندوجهی» در شعرش خواند و توضیح داد: در شعر شاعران دیگر ممدوح، معبود و معشوق جای خاص خود را دارند و مخاطب می‌تواند تفاوت این‌ها را درک کند، اما در شعر حافظ با زیرکی و زیبایی تمام چینش ابیات و خلق شخصیت‌ها به‌گونه‌ایست که ما می‌توانیم همزمان شعر را مربوط به هر کدام از این شخصیت‌ها (معبود و معشوق و ممدوح) بدانیم و از آن لذت ببریم.

دکتر حسام‌پور، یکی دیگر از عوامل لذت‌بردن از شعر حافظ را «تنوع» در شعر حافظ دانست و ریشه‌ی آن را در نیازهای بشر معرفی کرد. وی گفت: حافظ همزمان که به نیازهای جسمانی ما توجه می‌کند به نیازهای معنوی ما نیز می‌پردازد، او همزمان به مسائل اجتماعی و فردی اشاره می‌کند. در شعر او همزمان مفاهیم مربوط به حماسه، عرفان، ادبیات غنایی و تعلیمی وجود دارد و بدین ترتیب تنوع یکی از پرنرنگ‌ترین محورها در شعر حافظ است.

پیام تسلیت مرکز حافظ‌شناسی در پی درگذشت زنده‌یاد جمال زبانی



جان بی‌جمال جانان میل جهان ندارد
هر کس که این ندارد حقا که آن ندارد

خبر درگذشت فرهنگی فرهیخته و دانشور حافظ‌پژوه روانشاد جمال زبانی اهالی کوی فرهنگ و ادب، به‌ویژه دوستان و دوستان حافظ را سوگوار کرد.

آن یار سفرکرده در پیوسته‌ی عمر، همیشه همگام با کاروان ادب، سلوکی فرهنگی داشت و سال‌ها با بنان و بیان خویش در آفرینش‌های فرهنگی و اجتماعی نامدار و نام‌آور بود.

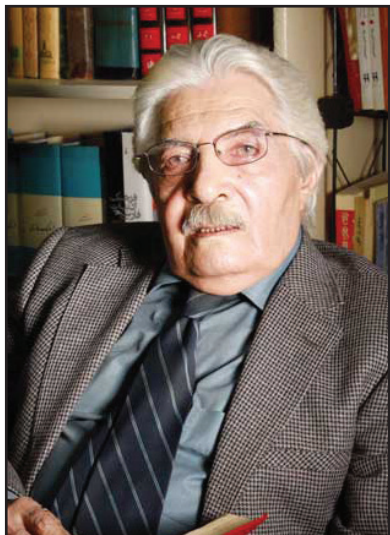
حضور سودمند در محافل ادیبانه، نگارش چندین کتاب در حوزه‌ی ادب و فرهنگ ایران، فارس و شیراز، به‌ویژه آثار ارزشمندشان در پیوند با حافظ، همچون «آداب و رسوم و باورهای مردم زمانه در شعر حافظ»، «گل‌واژه‌های شعر حافظ»، «سحرآفرینی‌های حافظ»، «آداب، رسوم و باورهای مردم از زبان حافظ، سعدی و مولوی» معرف آن فرهنگی ادب‌سنج است. زنده‌یاد زبانی همواره همراه و همدل با مرکز حافظ‌شناسی، در برنامه‌های مختلف این مرکز حضوری فعال داشتند و یادی نیک از خود به جای گذاشته‌اند.

مرکز حافظ‌شناسی سوگمندانه کوچ آن یار سفرکرده را به خانواده‌ی محترم زبانی و جامعه‌ی ادبی و فرهنگی تسلیت می‌گوید. بر روانش درود می‌فرستد و از خداوند مهربان برای ایشان شادی روان و آرزوی الهی و برای بازماندگان اجر و شکیبایی خواهان است.

روابط عمومی مرکز حافظ‌شناسی

پرویز برخوان حافظ

یادداشت



از کدام تباری؟ / روز ولادت تو کدامین روز؟
کدامین شهر؟ شیرازی/م / روز ولادت من سده ی
هشتم / من پیرسال و ماهم و ششصدسال...»
گذشته از این هم هویتی شاعرانه، در بسیاری از
اشعار مجموعه، حافظ در ذهن و ضمیر خائفی
حضور دارد؛ مثلا در خاطره های کودکی او:
«عطر صدای خاطره، شعر همیشه حافظ / از
دوردست حنجره ی خسته ی پدر» و گاه در
میانه ی شعرش کلام حافظ را با زبان خود بازگو
می کند: «با هول زینهار گفته ی حافظ: / هان!
رهگذار کوچه ی معشوق، برحذر...» در شعر
«زمان گذشت و زمانه» از همین مجموعه،
می گوید: «براسب باد نشسته است عمر، / می
تازد... / اگر نه سبز نشینیم در گذار نسیم! / به
مرگ زرد، چه خشکیده برگ باید بود / براسب
باد نشسته است عمر، یال افشان». تصویر عمر
و اسب یال افشان بادپایش، یادآور مصراع دوم
این بیت از حافظ است: «در هر طرف ز خیل
حوادث کمین گهی است / زان رو عنان گسسته
دواند سوار عمر». در همین مجموعه، خائفی
غزلی با نام «شگفت» دارد با مطلع «دریغ! تیغ
زمانه مرا چنان انداخت / که دست تجربتم،
خاک در دهان انداخت» که بر وزن و ردیف
و قافیه ی غزل حافظ است با مطلع «خمی
که ابروی شوخ تو در کمان انداخت / به قصد
جان من زار ناتوان انداخت». خائفی در برخی
شعرهایش با تضمین بیتی از حافظ آشکارا به
استقبال ذهن و زبان او می رود. او به این شیوه
شعر خود را به کلام بلند حافظ پیوند می زند
و جاودانه می کند. از این دست تضمین ها را
می توان در دیگر شاعران معاصر نیز دید، اما
خائفی حداقل در سطح احساس و لحن به

پرویز خائفی از مفاخر شیراز بود و هست.
بازنگری کارنامه ی ادبی او هم ارج نهادن به
شاعری خوش قریحه است و هم بازآموزی
نکاتی است که نگاه تیزبین و شاعرانه ی او از
ادب فارسی دریافته بود. او در مقدمه ای که بر
«باز آسمان آبی است» نوشته، به جامع نبودن
تعریف قدما از شعر ایراد می گیرد. خائفی معتقد
است محدود کردن تعریف شعر به دو ویژگی
موزون و مقفی، چنان دایره ی تنگی ایجاد
می کند که حتی توصیف کننده ی کامل برخی
اشعار باشکوه کهن نیز نیست. او از همین
دریچه به شعر معاصر نگریسته و آن را در بیانی
کلی نقد کرده است. خائفی معتقد است شاعر
باید به شکل ظاهری و کیفیت روحی کلمه
دقت کند، چنانکه شاعران بنام گذشته چون
شیخ شبستری و عنصری و مولوی و حافظ
چنین کرده اند و در نتیجه ی تسلط آنان بر
جوانب مختلف کلمه و علوم مختلف ادبی، شعر
کهن فارسی مرده ریگی گرانیه است که باید از آن
بسیار سود برد. با این مقدمه پرویز خائفی را
می توان در دو آینه نگریست: پرویز شاعر و پرویز
حافظ پژوه. دو آینه ای که در یکدیگر تابیده اند و
نقشی در نقشی ساخته.

پرویز شاعر: خائفی در شعر، بسیار از حافظ
یاد می کند و این گواه انس شاعرانه ی او با
حافظ است. بررسی حضور حافظ در زیرساخت
اندیشه ی شاعرانه ی خائفی، مجال دیگری
می طلبد؛ اما اگر دفترهای شعر او را ورق بزنیم،
مثال های فراوانی از حضور حافظ در ذهن و
زبان او می یابیم: «کی شعر تر انگیزد» (۱۳۷۱)
مجموعه ای از سروده های او از سال ۱۳۳۵ تا
تیرماه ۱۳۷۰ است. لحن خائفی در بسیاری از
این شعرها، حماسی است هرچند که لحن
غنایی حافظ بر نام مجموعه می درخشد و
در تن اشعار جاری است. خود او در ابتدای
مجموعه می گوید: «این غزل ها از میان انبوهی
غزل که در فاصله ی زمانی، حدود بیست سال،
گفته شده، گاه مفهوم عاطفی و تغزلی دارد و گاه
هم حرفی، پیامی، اشارتی، کنایتی در سنگر
واژه ها کمین کرده اند و آماجش ذهن و شعور
خواننده ی هشیار و آشنا به اسلوب کلام حافظ
و بیان کنایی و ابیهامی اوست و نکته دقیقاً
همین جاست». «بیرانه و پار و پیرار» (۱۳۷۷)
بیش تر محصول شاعری او در سال ۱۳۷۶ است.
مجموعه با دو شعر با نام شیراز آغاز می شود و
در هر دو، شیراز یعنی حافظ و حافظیه: «گفت

پیام تسلیت مرکز حافظ شناسی در پی درگذشت استاد خائفی

استاد پرویز خائفی از فرهنگوران
برجسته، از شاعران نامدار و از
حافظ پژوهان ارجمند شیرازی، در سن
۸۳ سالگی ما را رها کرد و چشم از جهان
فرو بست. زنده باد خائفی از سال های دور
در کنار آفرینش های ادبی خود، چراغ
حافظ شناسی را نیز در کتابخانه ی عمومی
حافظیه روشن نگه داشته بود و بسیاری
را در همین مکان راه می نمود. همچنین
او از دیرباز با مرکز حافظ شناسی همکاری
نزدیک داشت و مدتی در کلاس های آزاد
حافظ خوانی این مرکز، تدریس می کرد.
نگاه شاعرانه، لطف بیان و نقد صریح و
بی پروا از خصایص بارز شادروان خائفی
بود. مرکز حافظ شناسی به پاس یک عمر
تلاش حافظ پژوهانه ی زنده یاد خائفی در
سال ۱۳۹۴ و در نوزدهمین مراسم رسمی
یادروز حافظ از مقام ادبی وی تجلیل
کرد.

آثار ارزشمندی که از پرویز خائفی در
حوزه های ادبی به ویژه تحقیق درباره ی
حافظ منتشر شده است، پس از این
ثمرات او را تداوم می بخشند؛ از آن جمله
می توان به «حافظ در اوج»، «نگاهی
به غزل حافظ»، «مجمع پریشانی»، «پند
سعدی»، «مقاله ها و مقابله ها» و... اشاره
کرد.

مرکز حافظ شناسی سوگمندانه
درگذشت آن پژوهشگر و شاعر نامدار را
به جامعه ی ادبی کشور، اهالی قلم فارس
و خانواده ی محترم استاد خائفی تسلیت
می گوید و از درگاه خداوند مهربان، برای
روان آن سخنور نامی شادی مسئلت
می نماید.

روابط عمومی مرکز حافظ شناسی